

جریانهای شعری از دهه ۴۰ تا امروز

علی باباچاهی



است که با شناخت درست محیط جنوب و درک ظرفیت‌های کلمات محلی، از مکانیسم آنها در شعر خود استفاده می‌کند. تخیل نو و نیرومند آتشی به این واژه‌های مهجور جان می‌بخشد: "... در تپه‌های آنسوی گزدان - در کنده تناور "خرگ"ی از روزگار خون - ماری دوسر به چله - لمپده است (آواز خاک ص ۱۳۴).

عرفان‌گرایی (شعر محض)

سهراب سپهری پس از "آوار آفتاب" (۱۳۴۵) به مرز تازه‌ای از زبان و تفکر می‌رسد - صدای پای آب (۱۳۴۴) و بعد تشخیص فکری خود و کشف روابط جدید واژه‌ها را در حجم سبز (۱۳۴۶) به نمایش می‌گذارد و در کتاب اخیر به فضایی متفاوت و مستقل در شعر دست می‌یابد. سپهری مورد ستایش و همچنین انکار صاحب‌نظران و علاقه‌مندان مسایل شعر و ادبیات امروز قرار می‌گیرد. رضا براهنی، نادرپور و عبدالعلی دستغیب مطالب مختلفی در زمینه شعر این شاعر مطرح می‌کنند.^{۲۳} شعر سپهری از نظر لفظ و معنا با شعر فروغ قرابت‌هایی دارد، اما سپهری بیشتر بر محورهای خاص شعرش مبادرت دوستی همه‌طبقه‌ای (اومانیزم)، "نیکی بودایی"، که نتیجه برداشت‌های شاعرانه او از فلسفه‌های شرق است اصرار می‌ورزد. تا آنجا که شعر او به عنوان سواغاز جریان شعر عرفانی امروز مطرح می‌شود و از همین طریق با خوانندگان ارتباط برقرار می‌کند و بر شاعران جوان، تاثیر می‌گذارد. رد این تاثیرگذاری را می‌توان تا سال‌های اخیر نیز در شعر شاعران دنبال کرد. اما شاعرانی که از سپهری تاثیر می‌پذیرند (بهمن صالحی،

شعر نوایران در قرن حاضر، موضوع گزارش و مطالعه سیستماتیکی است که نخستین بخش آن در شماره گذشته به چاپ رسید. در این بخش نویسنده، از سال‌های ۴۰ به بعد را بررسی می‌کند. لازم به توضیح است که در این مقاله، آوردن نام تمامی شاعران دوره‌های مختلف نه‌مقدور، نه عملی بوده است، پس تنها به ذکر نام چندتن از آنها بسنده می‌شود.

ظاهره صفارزاده و جعفر کوش‌آبادی، سیروس مشفق و اصغر واقدی از همین چشم‌انداز و با نزدیک ساختن زبان شعرشان با واقعیت‌های مشهود، بر ضربان شعر خود می‌افزایند. صفارزاده در تلاش پیگیر خود به انعطاف‌هایی در وزن دست می‌یابد. او بدنبال جستجوهای شاعرانه‌اش به "شعر کانکریت" نیز می‌رسد (شعری که معمولاً در ساختن پوستر استفاده می‌شود و درحقیقت یک‌نوع همکاری است بین نقاش و شاعر - حرکت و دیروز ص ۱۵۲). این شاعر، بعدها راه و رسم شعری خاص خودش را پیدا می‌کند. اسماعیل خوبی نیز به پیروی از فروغ به تنوع وزن شعر خود علاقه نشان می‌دهد. منوچهر آتشی هم بطور بسیار خفیفی در برخی از شعرهایش به صمیمیت شعر فروغ رشک می‌ورزد و ناخودآگاه از او تاثیر می‌گیرد. علاوه بر این فروغ پس از مرگ خود یعنی در سال ۴۶ بر شاعرهای جوان (فروغ میلانی، شهبان رضوی، فخری توشانلو، پروین صداقت‌زاده، فرشته قراچه‌داغی، ژیلما مساعد، مهوش مساعد، پروانه میلانی، پوران فرخزاد، مهین مهریار، پروانه مهیمن) حداقل از نظر نگرش به مسایل، تاثیر محسوسی می‌گذارد. و بدین ترتیب فروغ‌زدگی یا فرخزادگرایی در شعر معاصر مطرح می‌شود.^{۲۴}

کلمات محلی در شعر امروز

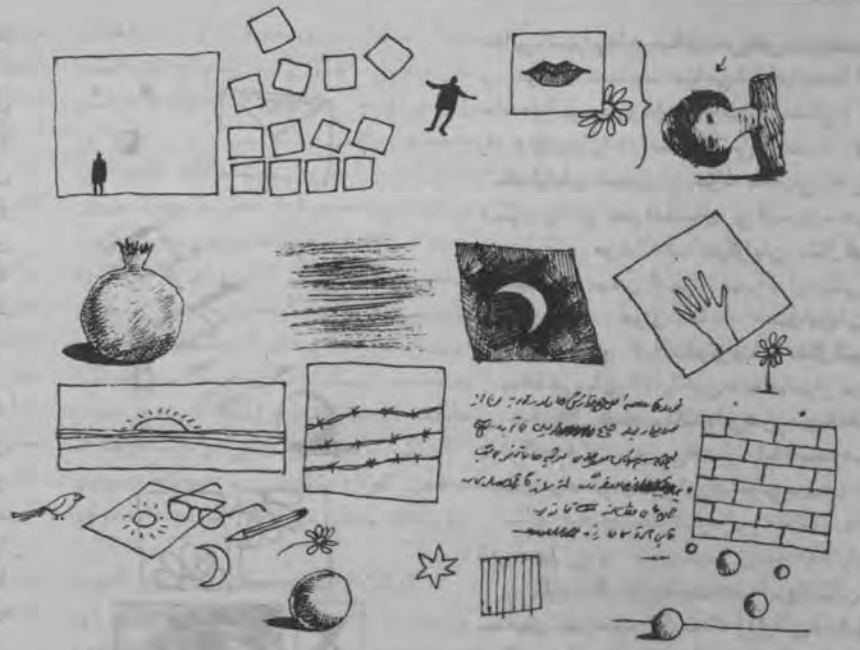
بعد از نیما، منوچهر آتشی از شاعرانی

در سال‌های ۴۰ تا ۵۰ شاعرانی مثل سهراب سپهری، م. آزاد، منوچهر آتشی، رویایی، نستانی، اسماعیل خوبی، ظاهره صفارزاده و فروغ فرخزاد که در سال‌های پیش نیز فعالند، بیشتر مشخص می‌شوند.

فروغ‌زدگی

فروغ پس از رها کردن شعر سیاه و سنت چهارپاره سرایی در سه‌کتاب اولش، در "تولدی دیگر" به ابعاد جدیدی در تفکر و زبان شعر دست می‌یابد. او که شاعر عشق و مرگ است، با کشف ظرفیت‌های کلمات به اصطلاح غیرشاعرانه و با انعطاف بخشیدن به اوزان شعر و گریز از قراردادهای عروض نیمایی، حرکتی ضدقراردادی در وزن و در زبان شعرش انجام می‌دهد. فروغ معتقد است که: "وزن باید از نو ساخته شود و چیزی که وزن را می‌سازد باید اداره‌کننده وزن باشد"^{۲۵} فروغ که خود مدت‌ها در حوزه تاثیرپذیری شاعرانی مثل توللی و نادرپور قرار دارد، بر شاعران هم‌نسل و نسل پس از خود تاثیر عمیقی می‌گذارد تا جایی که تنوع بخشیدن به وزن و ایجاد ظرفیت‌های جدید موسیقایی شعر از طریق آن به پیروی از فروغ، اساس کار برخی از این شاعران قرار می‌گیرد. م. آزاد و اسماعیل خوبی در همین زمینه دست به تجربه‌هایی می‌زنند. شاعران دیگری نیز مثل

حسن بایرامی، محسن کریمی، پرویز کریمی، سیروس شمیسا، حسن شهیری، رقیه کاویانی، محمد آذری، م طاهر نوکنده، صفورا تبری، نظام زکئی، عدنان غریفی، محمود طباری، میرزا آقا عسگری، فاروق امیری، عبدالمجید زنگویی، شیرزاد محمدآقایی، هوشنگ رثوف، اکبر ذوالقرنین، عبدالرسول حامدی (زنده یاد)، مهدی رستگار، جواد پیمان، مهری شاه حسینی، رضا معینی، فیروز ناپلثونی، عبدالجواد محبی، رامی، رضا فلاچوری، محسن الهامی، بتول عزیزپور، احمد کسبلا، ف. ر. نیسان. در همین دوره محمد علی سپانلو "آه بیابان"، "خاک" و "زگبارها" را چاپ می کند و بعد منظومه "پیاده روها" را. شاعر این مجموعه ها، با توجه به سنتها و موارث فرهنگی و طرح حوادث تاریخی و تعمق در آنها به زبانی پیچیده و سنگین دست می یابد و از این طریق به پیشواز کلماتی می رود که ظاهر غیر شاعرانه و تاحدی ضد شاعرانه اند... سپانلو این خصوصیت را در شعرهای بعدی اش نیز تاحدودی دنبال می کند تا جایی که او را هم از طرفی می توان صادرکننده جواز حیات ادبی پاره ای از کلمات غیرمانوس در شعر امروز فارسی دانست، کلماتی که از دیروز و امروز برمی خیزند و به نحوی باهم آشتی و سپس همکاری می کنند، کاری که برخی از شاعران پس از نما - نصرت رحمانی (با کلمات روزمره)، آشتی (با کلمات محلی)، فروغ (با کلمات شهری)، بدالله رویایی (با کلمات اداری) به نوعی انجام می دهند.



فردوسی
سپانلو
مهری شاه حسینی
عبدالمجید زنگویی
محمد آذری
سیروس شمیسا
حسن بایرامی
محسن کریمی
پرویز کریمی
صفا موحّد
مهرانگیز مالکی
فرسی
محمدتقی کریمیان
کاظم کریمیان

شعر ریاضی
کیومرث منشی زاده نیز از میان نوخیزان به چاپ شعرهایی می بردازد که تفاوت آشکاری با شعر دیگرهمنسلان خود دارد. او به وارد کردن فورمولهای ریاضی در شعر خود دلبستگی نشان می دهد. طبعاً شاعر بر این عقیده است که فضای جسارت آمیز شعرش، کمبوسین خاص خودش را عرضه می کند: "زاویه های مثلث - از تهمت B قائمه بودن - ابراز خستگی می کنند - موشک - آبی های آسمان را سوراخ کرده است - آیا چنین شرافت این را خواهد داشت - که با خلق آویز کردن خود به بند ناف - از موشک انتقام بگیرد؟" (کتاب خوشه ص ۴۸)
مطلبی که در خصوص نوخیزان گفتنی است این است که برخی از این شاعران، اشکال مترقی و نمونه های اصلی شعر خود را در سالهای بعد (۵۰ تا ۵۷ و تا امروز) بوجود می آورند بعضی نیز در سایه چاپ شعر و یا کتاب شعری به خلسه های عمیق فرو می روند، بعضی دیگر ظاهراً جریانی از شعر امروز را - موج نو - رهبری، و یا آنان را به این رهبری

بهمن صالحی، طاهره صفارزاده، قزیده فرجام، جعفر کوش آبادی، هوشنگ گلشیری، مفتون امینی، صالح وحدت. از این میان گلشیری و مفتون امینی قبل از این تاریخ نیز مطرح اند و شاعران دیگری نیز با توجه به میدا تقویمی این عنوان، باید به مجموعه نام این شاعران افزوده شوند: شفیع کدکنی، م - آژرم، منصور برمکی، عبدالعلی دستغیب، غلامحسین متین، حسین منزوی، علی موسوی گرمارودی، محمد مختاری، غلامحسین نصیری پور، عظیم خلیلی، جواد مجابی، کاظم سادات اشکوری، سیروس مشفق، منصور اوجی، پرویز پروین، رحمان کریمی، میا اسیدی، محمود سجادی، علیرضا نوری زاده، فتح الله شکیبایی، فریدون فریاد، فرهاد شبانی، محمدرضا قشاهی، عمران صلاحی، فرهاد عابدینی، کیومرث منشی زاده، حمید صدق، غلامحسین صالحی، عزت الله زنگنه، ایوج کیانی، داود رمزی، محمود کیانوش، جواد محبت، بیژن کلکی، سیاوش مظهری، نادر ابراهیمی، اسماعیل رها، علیرضا طبایی، حسن ندیمی، میمنت میرصادقی، نجدی سمیعی. شاعران جوان دیگری نیز که در همین دوره شعر و کتاب شعر چاپ می کنند با همین جریان درمی آمیزند: لیلیا کسری، حسن ندیمی، اصغر واقدی، عبدالله کوثری، علی میرفطروس، جعفر حمیدی، سیدعلی صالحی، شهبان حنانه، مینا دستغیب، حمزه موسوی پور، ابوالقاسم ایرانی، اورنگ خضرابی، ضیا موحّد، مهرانگیز مالکی، محمد خلیلی، جلال سرفراز، بهمن فرسی، محمد اسدیان، جواد طالعی، حسن کریمی، محمدتقی کریمیان، کاظم کریمیان،

سیروس مشفق، عزت الله زنگنه)، برخلاف او مقید به ارائه شعر محض نیستند (شعری که از واقعیتها گریزان است) بلکه شیفته روابط جدید کلمات و جریان وزن در شعر سپهری هستند.

"نور در کاسه" مس - چه نوازشها می ریزد - نردبان از سر دیوار بلند، صبح را روی زمین می آرد - پشت لبخندی پنهان هرچیز... حجم سبز ص ۱۱."

تا به چهره های جوان تر این سالها برسیم باید از شاعرانی یاد کنیم که پیش از این و به موازات چاپ آثار از بدالله رویایی، فرخ تمیمی، مفتون امینی، حشمت جزئی اشعاری از آنان در نشریات و جنگها دیده می شود. شاعرانی مثل هوشنگ بادیه نشین، محمدرضا نعمتی، صهبا مقداری، مصطفی رحیمی، هوشنگ گلشیری، نوذر پرنگ و محمد حقوقی، شاعرانی که هر یک تجربیاتی را پشت سر دارند. بعد از این شاعران نوبت به "نوخیزان" می رسد.

نوخیزان

نوخیزان جریان خاص و یکدستی در شعر معاصر شمرده نمی شود بلکه بیشتر به عنوان یک میدا تقویمی در شعر امروز مطرح است. در سال ۱۳۴۴ سیروس طاهباز زیر عنوان "نوخیزان" از چند شاعر جوان اشعاری را به چاپ می رساند، شاعرانی که هر یک مسئول زبان و فضای شعر خودشان هستند: احمدرضا احمدی، محمدرضا اصلانی، علی باباچاهی، رضا براهنی، اسماعیل نوری علا، پرویز خاثنی، م - ع - سپانلو،

منسوب می‌کنند. عده‌ای نیز عطای شعر را به لقایش می‌بخشند و از این عمل دست می‌کشند. ناگفته پیداست که سایه شعر شاعرانی مثل شاملو، فروغ (تا ۴۵)، اخوان، نادرپور و شاهرودی و سپهری و نصرت رحمانی بر سر این سالها به چشم می‌خورد و آتشی و کسرابی و مشیری و... نیز همچنان در کار آفرینش شعرهایشان هستند. مثلا اخوان "از این اوستا ۴۶" را چاپ می‌کند و نصرت رحمانی "میعاد در لجن" و "حریق باد" و "درو" و...

موج نو

در سال ۱۳۴۰ تعدادی از شاعران جوان بی‌توجه به تجارب و دستاوردهای شعر کهن و مبانی شعر نیمایی، شعری را به وجود می‌آورند که موج نو نامگذاری می‌شود. اسماعیل نوری علا که از طرفداران پروپاقرص موج نو است مبدا این حرکت تازه را انتشار کتاب "طرح" احمدرضا احمدی می‌داند. به زعم او، با انتشار کتاب دیگری از این شاعر - روزنامه شیشه‌ای - این نوع شعر بیشتر شناسانده می‌شود.^{۳۳} مهرداد صمدی نیز به دفاع از موج نو برمی‌خیزد^{۳۴} "جزوه شعر" که در سال ۴۵ منتشر می‌شود عرضه‌کننده اشعاری از این شاعران است، احمدرضا احمدی درباره موج نو می‌نویسد:

"... شعر امروز ایران با قضاوت قرار و وعده ملاقات ندارد...^{۳۵} این شاعر در مورد وزن معتقد است که بدون وزن "البته یک مقدار محدودیت ایجاد می‌شود اما من حاضر نیستم یک کلمه را بخاطر وزن بکشم، من وزن را می‌کشم"^{۳۶} بعضی‌ها شعر احمدرضا احمدی را فرزند شعر احمد شاملو و سهراب سپهری می‌دانند که از اشعار ترجمه شده غربی نیز تاثیر پذیرفته است.^{۳۷}

فروغ فرخزاد در زمینه موج نو کار احمدرضا احمدی و بیژن الهی را بیشتر می‌پسندد و معتقد است که شعر این دو شاعر احتیاج به وزن ندارد.^{۳۸} یدالله رویایی نیز با این موج مخالفتی نشان نمی‌دهد^{۳۹} و برخی نیز - رضا براهنی و... - بطور مشروط با آن برخورد می‌کنند.^{۴۰} عبدالعلی دستغیب و داریوش آشوری، موج نو را شدیداً مورد حمله و انتقاد قرار می‌دهند و آنرا نوعی بازیگوشی ادبی و عصیان‌بازی و بالاخره علف هرز تلقی می‌کنند و برای این نوع شعر معنایی قائل نیستند.

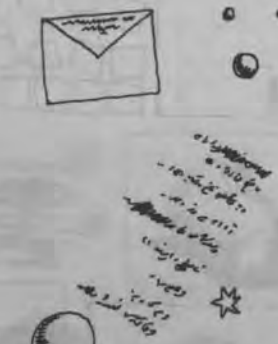
"مگر پوئین‌های سیاه شب را نمی‌خورند؟ - شب که مسلح به تاریکی بود - از صدای نوزاد یک شکوفه - یک گوسفند و یک نوزاد انسانی می‌شکفت"^{۴۱}

شاعران موج نو به چند شاخه می‌شوند ۱- "نثرگرایان اصیل" (احمدرضا احمدی، محمدرضا اصلانی، مجید نفیسی، شاهرخ

صفایی، شهرام شاهرختاش، فریدون معزی مقدم م. نوقل، محمدرضا فشاکی، (که بعدها به جامعه‌شناسی می‌پردازد)، عظیم خلیلی (که راه دیگری را در شعر برمی‌گزیند). ۲- "نظم‌گرایان اصیل" (جواد مجابی که راه دیگری را در شعر دنبال می‌کند) حسین مهدوی م. مویذ^۳ - "نثرگرایان مشکل‌گو" (احمدی، بیژن الهی، بهرام اردبیلی، حسین رسایل، هوتن نجات، حمید عرفان، پرویز اسلامپور^۴ - "نظم‌گرایان مشکل‌گو" یدالله رویایی^{۲۲} با این همه شاعران موج نو چند سال بعد پراکنده می‌شوند و ظاهراً بازار آنها از رونق می‌افتد. اما احمدرضا احمدی براه خود همچنان ادامه می‌دهد.

شعر حجم

یکی دیگر از مباحث شعر امروز ایران، پیدایش "شعر حجم" است که آغاز آن به قبل از سال ۵۰ مربوط می‌شود. شعر حجم "زندگی‌اش را از سالهای ۴۶ و ۴۷ به صورت پراکنده آغاز می‌کند. در "دلنگی‌ها" (مجموعه شعر رویایی) و کتابی از پرویز اسلامپور و اولین تظاهر گروهی‌اش را در دفترهای "روزن" (شماره اول و سوم) و در شعرهایی از محمود شجاعی، پرویز اسلامپور، بیژن الهی، بهرام اردبیلی و یدالله رویایی، ادامه این حرکت با نام حجم‌گرایی اولین بار در شماره دوم دفتر "شعر دیگر" تظاهر می‌کند.^۲ شعر حجم برای خودش دارای بیانیه‌ای است: "حجم‌گرایی آنها را گروه می‌کند که در ماورا واقعیت به جستجوی دریافت‌های مطلق و فوری و بی‌تسکین‌اند. و غطش این دریافت‌ها هر جستجوی دیگری را باطل می‌کند"^{۲۲} پیشروان شعر حجم معتقدند که: "حجم‌گرایی مکتب نیست، ظرفیت گسترده‌ای دارد که به شاعر کمک می‌کند تا طبیعت خود و تربیت خود را پیدا کند و بروز دهد."^{۲۵} امضاکنندگان مانیفست شعر حجم عقیده دارند که: "شعر حجم از دروغ ایدئولوژی و از حجره تعهد می‌گریزد و اگر مسئول است، مسئول کار خویش و درون خویش است که انقلابی است و بیدار است..."^{۲۶} شاعرانی که در بیانیه شعر حجم شرکت می‌کنند عبارتند از: پرویز اسلامپور، محمود شجاعی، بهرام اردبیلی، فیروز ناجی، هوشنگ آزادی‌پور، علی‌میراد فدایی‌نیا (نویسنده)، فریدون رهنما، نصیب نصیبی (سینماگر)، پرویز زاهدی (نویسنده)، محمدرضا اصلانی، یدالله رویایی. که امضای برخی از اینان پای بیانیه دیده می‌شود. احمدرضا چهگنی، شاپور بنیاد، سیروس آتابای و چند شاعر دیگر از علاقه‌مندان و پیروان شعر حجم به شمار می‌آیند. گاه برخی



رونگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

ه / فروغ فرخ زاد، حتی پس از مرگ بر بسیاری از شاعران و شاعرها تا تیر گذاشت.

ه / نوخیزان از سال ۱۳۴۴ با معرفی طاهباز، نام جریان و گروه خاصی شد با بیان و اندیشه‌های مخصوص خود

از شعرهای افراطی بدالله رویایی در این سالها جنجال برانگیز می‌شود مثل شعر "هفته سوراخ": "شنبه سوراخ - یکشنبه سوراخ - دوشنبه سوراخ سوراخ - سه‌شنبه سوراخ سوراخ سوراخ - چهارشنبه حرکت سوراخ‌ها - پنجشنبه سوراخ‌ها روی راه - جمعه همه سوراخ‌ها - در چاه"^{۲۷}

شعرک سازان

در فاصله سال‌های ۴۰ تا ۵۰ اسماعیل نوری علا در مجله "فردوسی" صفحاتی به اسم "کارگاه شعر" را به چاپ آثار و معرفی شاعران جوان اختصاص می‌دهد. در این صفحات تأکیدی بر شعرک‌سازی می‌شود. شعرک‌ها شعرهای کوتاه ظاهراً هایکومانندی هستند که یکی از اهدافشان رسیدن به نوعی ایجاز است. کارگاه شعر تلاش می‌کند که شاعران جوان از این طریق شاهد ساخت شعری خود باشند. در بین شعرک‌سازان به نام این شاعران برمی‌خوریم: عمر فاروقی، تیمور ترنج، منوچهر نیگو، محمدعلی حجت‌پناه، عفت کیمیایی، کیانوش شمس‌اسحاق، اکبر بهداروند، عزت‌الله زبیدی، ف. خاتون و...

نوسرایان

نوسرایان بر آن تعداد شاعران اطلاق می‌کنیم که با توجه به تحول زبان و فضای شعر امروز، نوآوری را در قالب شعر سنتی و عمدتاً غزل عرضه می‌دارند. نوذر پرنگ، حسین منزوی، محمدعلی بهمنی، عباس صادقی (پدرام)، ولی‌الله درودیان، هومن ذکایی از این دسته‌اند. گرچه شاعران نوپرداز معاصر منوچهر نیستانی، منوچهر آتشی، اسماعیل خوبی، اخوان ثالث، سایه و... گاه به سرودن غزل روی می‌آورند اما این عنوان - نوسرایان - ویژگی آثار غزلسرایان حرفه‌ای معاصر را مورد نظر دارد.

ناگفته پیداست که غزل‌های سیمین بهبهانی در این میان درخشش کم‌نظیری دارد که سوابق آن به پیش از سال ۴۰ می‌رسد. اصغر واقدی نیز در کار غزلسرایان تجربیاتی دارد.

شعر ۵۰ تا ۵۷ (شعر مقاومت)

در این هفت‌سال نیز با شعر شاعرانی مثل شاملو، اخوان، کسرایی، خوبی، ظاهره صفارزاده، نادرپور، شاهرودی، منوچهر آتشی، شفیعی کدکنی، فرخ تمیمی و... به سر می‌بریم و با شعر شاعران جوانتری که از "شب‌های شعر خوشه" (کتاب خوشه) به "ده شب" می‌رسند. مجموع شاعران این سال‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. الف - شاعرانی که

گرفتار مسایل فردی خویشند و به مقوله‌های شعر عرفانی، تغزل و تجرید و به فورمالیسم روی می‌آورند. بی‌توجه به تحولات سیاسی جامعه و "هراسان از انقلاب". ب - شاعرانی که در کنار ویا در متن رویدادهای جامعه نفس می‌کشند ویا ضرورتاً از تفکرات مجرد بیرون می‌خزند. کتاب "ده شب شاعران و نویسندگان" تاحدی دربرگیرنده آثاری از هر دو گروه شاعران است. گرچه گروه اول نیز سعی می‌کنند در این شب‌ها شعرهای آبرومندی بخوانند. به مقطع انقلاب که نزدیک می‌شویم بر خصلت‌های مقاومت شعر امروز افزوده می‌شود: "آه اگر آزادی سرودی می‌خواند - کوچک - همچون گلوگاه پرنده‌یی - هیچ‌کجا دیواری فروریخته برجای نمی‌ماند" شاملو - دشنه در دیس".

کم‌کم لایه‌های سمبولیک شعر گشوده می‌شود و شاعران در پی یافتن زبانی تازه می‌کوشند، هرچند ترک اعتیادهای ذهن و زبان برای آنان کار ساده‌ای نیست. به‌رحال شعر از رکود سال‌های ۵۲، ۵۴ و... رها می‌شود و بر بیوایی خود اصرار می‌ورزد، و گاه با همکاری اسطوره و احادیث و عناصر مذهبی: "با تو و در کنار تو نفس می‌کشم - من اهل مذهب بیدارم - و خانام در آنسوی خیابانیست - که مردم عایق - در آن گذر دارند - صدای هق‌هقی از دور دست می‌آید - ... تبت پیدا ابی‌لهب و تب. صفارزاده سفر پنجم" و صداهای معترض دیگری نیز شنیده می‌شود...

"دشنه در دیس" شاملو، مجموعه شعرهای نادرپور - "شام بازپسین" و... - "سفر پنجم" صفارزاده، "با من طلوع کن" م. آزاد، "مست در جیب" زهری، مجموعه شعرهای شفیعی کدکنی - "در کوچه باغ‌های نیشابور" و... - و چند مجموعه شعر از شاعران جوان در همین فاصله منتشر می‌شود. در این مجموعه شعرها، عواض سانسور و اختناق حاکم بر جامعه بخوبی قابل مشاهده است.

شعر ناب

اما قبل از مقطع انقلاب، نوعی شعر که بعدها عنوان شعر ناب (موج ناب) به خود می‌گیرد مورد حمایت بعضی از شاعران صاحب‌نام مثل منوچهر آتشی واقع می‌شود. آتشی گرچه بر برخی از جنبه‌های اینگونه شعرها تأکید بیشتری دارد اما عملاً سرایندگان این شعرها را زیر پرده‌های خود می‌گیرد. و موجبات رشد و دلگرمی آنان را فراهم می‌سازد.^{۲۸} شاعرانی مثل، هوشنگ چالنگی، هرمز علیپور، آریا آریاپور، سیروس رادمنش، فیروزه میزانی،

یارمحمد اسدیپور، مرید میرقاید و... این نوع شعر، دارای خط‌تأثیرگذاری ویژه‌ای نیز هست.^{۲۹} از طرفی زمینه پیدایش "موج ناب" به پیش از سال‌های ۵۰ نیز مربوط می‌شود.

شعر جنبش

به شعر مقاومت برمی‌گردیم. در این سالها علاوه بر شاعرانی که اعتراض را به صورتی سمبولیک عرضه می‌کنند و خصلت‌های مقاومت را در شعر پررنگتر می‌سازند، نوعی شعر نیز مطرح است که شتاب بیشتری در بیان مسایل سیاسی دارد. شعری که عمدتاً زبان مبارزاتی خود را بکار می‌گیرد. این شعرها در کتاب "شعر جنبش نوین ایران" (انتشارات توس ۱۳۵۷) آمده است.^{۳۰}

شعر امروز ایران با درک و دریافت مسایل جدید سیاسی - اجتماعی (پیش‌زمینه‌های فرهنگی - اقتصادی انقلاب)، به نوعی اشباع در زمینه قالب و محتوا و زبان و... نزدیک می‌شود. هم از این‌رو زمینه دگرگونی در روند ذهن و زبان شاعران معاصر از بدو انقلاب کاملاً محسوس است.



۳۵۷، ۲۹ - مجله آرش ۱۳۴۳ (گفتگوی فروغ فرخزاد)، ۳۰ - نگاه گنبد صور و اسباب ص ۴۱۲ به بعد، ۳۱ - نگاه‌کنید مجله‌های فردوسی شماره‌های ۴، ۶، ۸، سال ۴۶ و ۸۲۰ و ۸۵۴ سال ۴۷ و ۸۴۵ سال ۴۸، ۳۲ - آرش ویژه شعر سال ۱۳۴۴، ۳۳ - صور و اسباب ص ۳۰۳، ۳۴ - جنگ طرفه شماره ۲، ۳۵ - جزوه شعر، شماره اول ۱۳۴۵، ۳۶ - بازار رشت شماره ۲۴، ۳۷ - صور و اسباب ص ۳۱۷، ۳۸ - آرش ویژه فروغ شماره ۱۳ اسفند ۴۵، ۳۹ - خوشه شماره ۵۴۴ سال ۱۳۴۵، ۴۰ - شعر نو از آغاز تا امروز ص ۳۲ و سایه روشن شعر فارسی از ص ۱۸۷ به بعد، مجله نگیل شماره ۳۵/۱۳۴۷، ۴۱ - جزوه شعر شماره ۹ (احمد رضا احمدی) ۱۳۴۵، ۴۲ - نگاه‌کنید صور و اسباب ص ۳۱۸ و ۳۱۹ و ۵۳۵، ۴۳ - بدالله رویایی، هلاک عقل بوقت اندیشیدن ص ۵۸ و ۹۵، ۴۴ - بررسی کتاب دوره جدید شماره ۴، ۴۵ - بدالله رویایی از سگوی سرخ ص ۱۴۴، ۴۸ - دوره مجله تماشا سال‌های ۵۵ و ۵۶، ۴۹ - نگاه‌کنید شعر شهادت است فرامرز سلیمانی ص ۱۲۴ و ۱۲۵، ۵۰ - ادوار شعر فارسی ص ۷۸ و شعر شهادت است ص ۱۵ تا ۱۹، ۵۱ - گزارش شعر ۵۷ تا ۶۷ درخور مقاله جداگانه‌ای است.